



گروه سینما

گزارش

ارژنگ امیرفضلی که بیشتر او را در آثار کمدی به یاد می‌آوریم و پس از مدتی وقفه دوباره روزهای نسبتا پرکاری خود را پشت سر می‌گذارد. او چندی پیش «لازانیا» را روی پرده داشت و در حال حاضر با فیلم «دزد و پری ۲» روی پرده سینماست، فارغ از آن گاهی در برنامه «خندوانه» نیز او را می‌بینیم. به همین بهانه با او گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

شما این اواخر در سینما نسبتا پر کار بودید، تا چند هفته پیش فیلم «لازانیا» را روی پرده داشتید و در حال حاضر فیلم «دزد و پری ۲»؛ هر دو این آثار توجه ویژه‌ای به مخاطب رده سنی کودک و نوجوان داشتند و اصلا قصه خود را با کاراکترهایی از این طیف سنی جلو بردند کما این‌که «دزد و پری ۲» کاملا عنوان ژانر کودک و نوجوان را به یدک می‌کشد.انتخاب چنین فضایی برای بازیگری چقدر از سوی شما تعمدی بوده است و اساسا دغدغه فعالیت در ژانر کودک و نوجوان را دارید؟

همواره در تمام سال‌های فعالیت‌م در آثار ژانر کودک و نوجوان حضور داشتم و در این حوزه بازیگری، نویسندگی و کارگردانی را تجربه کردم. هر دو این فیلمی‌هایی که از آن یاد کردید ساخته حسین قناعت بوده است، به هر حال چنین پیشنهاداتی مطرح شد و من قبول کردم، این‌چنین نبود که بنا را بر این بگذارم تا حتما در ژانر کودک و نوجوان فعالیت کنم. وقتی کار خوب پیشنهاد شود برای من به‌عنوان بازیگر جالب است تا در آن حضور پیدا کنم. بازی در کارهای کودک و یا بزرگسال در هر مدیومی از تلویزیون گرفته تا تئاتر و سینما می‌تواند برای من جذاب باشد. اگر به جای این دو فیلم یعنی «لازانیا» و «دزد و پری»، کار بزرگسال و جدی پیشنهاد می‌شد آن را هم قبول می‌کردم، می‌خواهم بگویم خیلی از پیش تعیین نمی‌کنم که حالا حتما باید چند کار در این حوزه بازی کنم بستگی به پیشنهاداتی که مطرح می‌شود نیز دارد.

اما از میان بازیگران، عده خاصی و افراد محدودی هستند که در چنین آثاری بازی می‌کنند و ما شاهد حضور خیلی از بازیگران سینما و تلویزیون در این‌گونه فیلم‌ها نیستیم!

هنرپیشه‌های رده بالا حضور در کارهای کودک را قبول نمی‌کنند، اگر به آن‌ها پیشنهاد بازی در چنین آثاری را بدهید، نمی‌پذیرند انگار که بازی در این فیلم‌ها برایشان افت به حساب می‌آید.

این قبول نکردن از چه چیزی نشأت می‌گیرد؟ به کیفیت آثار ژانر کودک و نوجوان ما برمی‌گردد یا چنین پزی در سینما حاکم است؟

واقعا دلیل اصلی این اتفاق را نمی‌دانم شاید اگر یک کارگردان درجه‌یک به حوزه ساخت فیلم‌های کودک و نوجوان ورود کند آن بازیگران نیز بازی در این‌گونه فیلم‌ها را بپذیرند اما تا به امروز آنچه من دیدم خلاف این بوده است و وقتی پیشنهاد بازی در فیلم‌های ژانر کودک و نوجوان به آن‌ها داده می‌شود، قبول نمی‌کنند.

اما شما در طول سال‌ها فعالیت خود، به جدیت فضای کمدی را دنبال کردید. این روزها به سبب شرایط موجود، مردم تمایل بیشتری به تماشای آثار کمدی از خود نشان می‌دهند و به‌دنبال همین موضوع، تعداد آثار کمدی ساخته‌شده در سینما نیز افزایش چشمگیری پیدا کرده است حتی در تلویزیون با وجود آن‌که تعداد سریال‌های کمدی کم شده اما برنامه‌هایی نظیر «خندوانه» رو آمدند و اتفاقا جریان خوبی به راه انداختند. کاری به حوزه تلویزیون ندارم اما در سینما افزایش فیلم‌های کمدی باعث شده یک گاردی به چنین فیلم‌هایی گرفته شود و برچسب‌های مختلفی به این فیلم‌ها زده شود. خود شما به‌عنوان کسی که معمولا در ژانر کمدی کار می‌کنید، واکنشی به چنین برچسب‌زنی‌هایی ندارید؟

به نظرم آن‌ها مخالف کمدی نیستند، وقتی کمدی لوس و بی‌مزه روی پرده سینما می‌بینند به آن خرده می‌گیرند، کسی مخالف ساخت فیلم کمدی نیست فقط در مقابل کمدی‌هایی که خیلی تعریفی ندارند، برخی شاکی می‌شوند و هر کسی یک جمله و عبارتی را به آن نسبت می‌دهد. عده‌ای می‌گویند لوس، برخی می‌گویند سخیف و اصطلاحاتی از این دست.

ساخت همین آثار در واقع می‌تواند ژانر کمدی در سینمای ایران را آشفته کند!

آشفته شده است، تعداد کارهای کمدی روی پرده بسیار شده و مخاطب وقتی می‌خواهد فیلمی کمدی را برای تماشا انتخاب کند گیج می‌شود و نمی‌داند آیا آن کار واقعا خوب است یا نه! چند بازیگری که معمولا در فیلم‌های کمدی بازی کرده‌اند را دعوت به کار می‌کنند بعد متنی آماده می‌شود و جلو می‌روند به این امید که فیلم کمدی بامزهای از آب در خواهد آمد در صورتی که آخر کار نیز چنین اتفاقی نمی‌افتد. من خودم یکی از همین بازیگرانی هستم که در این فیلم‌ها بازی می‌کنم، تافته جداافتاه نیستم. سر فیلمی می‌روم و بعد که تمام می‌شود می‌بینم خروجی جالب و بامزهای نداشته است.

این به ضعف مادر فیلمسازی برمی‌گردد؛ به نظر می‌رسد کارگردانان ما در فهم مفهوم کمدی دچار ایراد هستند!

کارگردانان خوب قابل توجهی در این حوزه نداریم، شبیه به یک بازار فیلمسازی شده است. هر کسسی هر کاری می‌تواند انجام می‌دهد چون فکر می‌کنند پول در کمدی است. همه فیلمسازان به این سمت روی آورده‌اند به همین علت، اگر فردا ببینند پول در ساخت فیلم‌های جدی و یا حتی ترسناک است به آن سمت حرکت می‌کنند. همه چیز خیلی شکل بازاری به خود گرفته است، حالا این‌که این اتفاق خوب است یا بد را من نمی‌دانم. خیلی‌ها معتقدند خوب است و خیلی‌ها نسبت به آن گارد دارند، به هر حال هر کس نظر شخصی خودش را دارد اما در حال حاضر چرخ این نوع از سینما می‌چرخد.

اما پیشنهاداتی که در این حوزه دریافت می‌کنید، چقدر شما را راضی می‌کند؟

خیلی راضی‌کننده نیست، اما به‌عنوان مثال نقش‌م در فیلم «لازانیا» متفاوت بود و برایم فضایی تا حدی جدید را رقم زد که البته بخش‌هایی از آن حذف شد.

این سانسور به کلیت نقش ضربه زد؟

کسانی که فیلم را دیدند بر این باور بودند که ضربه‌ای نزده است اما به نظر خودم ضربه‌زننده بود.

شما در نقش یک زن در این فیلم ظاهر شدید، چیزی که خیلی در سینما مرسوم نیست و اکبر عبدی پیش‌تر در چنین موقعیت‌هایی دیده شده بود، باز خورد‌ها نسبت به حضور شما در چنین نقشی چگونه بود؟

قبل از این فیلم، در یک سریال و تئاتر نیز نقش زن را بازی کرده بودم و خوشبختانه معمولا باز خورد‌های خوبی دریافت کردم.

نگاهی به فیلم «قانون مورفی»

«نگار»؛ همچنان مهم‌ترین اثر جوان



افشین علیار

«قانون مورفی» در مقایسه با «ورود آقایان ممنوع» یک فیلم ضعیف و نسبت به فیلم «نگار» شلخته و بی‌منطق است. رامبد جوان سعی داشته «قانون مورفی» را همانند «سپاگتی در هشت دقیقه» بسازد یعنی فیلمی فانتزی با رگه‌های کمدی، اما حاصل کار تبدیل به یک اثر بی‌منطق و شلخته شده است.از هر طرف که به این اثر نگاه کنیم به هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید.اولین نکته در «قانون مورفی» در فیلمنامه خلاصه می‌شود؛ فیلمنامه‌ای که با حفزه‌های بسیاری سرو کار دارد و احساس می‌شود این فیلم با طرح اولیه ساخته شده است. جوان قبل از ساخت این فیلم فقط می‌دانسته که قرار است که یک فیلم فانتزی به سبک و سیاق خودش بسازد اما نتیجه آن چیز دیگری شده است. در وهله نخست ژانر فیلم میان کمدی اکشن، فانتزی، پلیسی در تعلیق است و جوان تلاش کرده این سه ژانر را در فیلمش گسترش بدهد اما تمامی این مسائل در حد یک ایده مانده و جوان نتوانسته فیلمش را با یک قالب منسجم جلو ببرد، به‌طوری که انگار «قانون مورفی» تکه تکه شده و در تدوین به همدیگر وصل شده است. هیچ منطقی در محتوا دیده نمی‌شود و فیلمساز تلاش داشته فقط موقعیت‌های کوچک فانتزی ایجاد کند، اما موقعیت‌ها نتوانسته‌اند تبدیل به یک خط روایی منسجم شوند یا لااقل بتوانند مخاطب را وارد فضای خاص فانتزی کنند. در «قانون مورفی» کاراکترها و سوزه‌ها تلف شده‌اند. قصد فیلمساز در سکانس اول در تعقیب و گریز طولانی معرفی فرخ به مخاطب بوده! که کاملا الکن می‌ماند زیرا که این سکانس به یک ویدئو کلیپ شباهت پیدا کرده، نماهای هلی‌شات یا بر خورد گلوله با لاستیک وانث هندوانه تن‌نه‌ها فانتزی نیست بلکه هیچ ربطی به کمدی ندارد و اساسا معلوم نیست که آن دلقک کیست و این دو پلیس چرا او را دنبال می‌کنند. در ادامه این تعقیب و پایان آن سکانس، دلقک چه می‌شود؟ آیا دلقک بودن مظنون یا ماشین عجیب‌وغریبش می‌تواند به فانتزی شدن فیلم کمک کند؟ نتیجه آن سکانس طولانی بی‌منطق فقط دلیلی است بر دست‌وپاچلفتی بودن فرخ که این را می‌شد خیلی راحت و منطقی‌تر نشان داد. سکانس بعد از بیمارستان فرخ به خانه می‌رود، چرا؟ در خانه چه چیز مهمی وجود دارد؟ مشکل پول برادر یا جهیزیه خواهر فرخ چه ربطی به کل فیلم دارد؟ یا چرا باید زن سابق فرخ او را برای مهریه تهدید کند؟ اگر فرخ مجرد بود برای فیلم چه اتفاقی رخ می‌داد؟ این مسائل نشان می‌دهد که فیلمنامه به‌شدت ضعف محتوایی دارد و انگار سه نویسنده این فیلم نتوانسته‌اند منطق دراماتیکی را برای «قانون مورفی» در نظر بگیرند، حتی رفتن فرخ به شمال و کمک او به بهمن هم نمی‌تواند به روند فیلم کمک کند. اگر چه سکانس اول برای معرفی فرخ تدارک دیده شده بود اما فیلمساز می‌توانست چند گاف فرخ را در ماموریت‌های مختلف نشان بدهد. جوان می‌توانست به جای جلوه‌های رایانه‌ای در جاده و تغییر فضاها، چند فلاش‌بک از ماموریت‌های فرخ و بهمن را نشان بدهد، این‌گونه این دو شخصیت کاملا برای مخاطب ملموس بودند اما در شرایط کنونی بهمن برای ما یک تیپ عصبی و روان‌پریش (کاریکاتوری) است که باور نمی‌شود و تمامی کارها و عکس‌العمل بهمن به نتیجه‌ای نمی‌رسد او نمی‌تواند یک شخصیت مستقل باشد. اساسا کمدی به تنهایی نمی‌تواند به فانتزی برسد. در «قانون مورفی» کمدی وجود ندارد، یک طنز تئیکال و دیالوگ‌محور است که آن هم صرفا به همت خودِ بازیگر درآمده است. رامبد جوان فقط سعی داشته صحنه‌های شیک و البته فانتزی خلق کند، اما به منطق داستان فکری نکرده این‌که به‌راحتی آدرس آن پسر لباس قرمز به‌دست می‌آید در کمدی شاید عجیب نباشد اما کمدی این فیلم در کجای آن نهفته است؟ رد و بدل کردن چند دیالوگ که بیشتر به شوخی شبیه است تا کمدی آیا می‌تواند مخاطب را بخنداند؟ سکانس رقص فرخ با آن پیرمرد(سیروس گرجستانی) چه ربط محتوایی با کلیت دارد؟ تنها توانسته به جوان و فیلمنامه لاغرش کمک کند که چنددقیقه وقت فیلم با حرکات موزون پر شود. سکانس تعقیب بهمن و فرخ به‌دنبال آن دختر، هشت‌دقیقه وقت فیلم را تلف می‌کند و اساسا نماهای هلی‌شات بی‌کار کرد و بی‌منطق است، در ادامه آن فرار دختر، نتیجه‌ای ندارد و اساسا دختر اگر فرار نمی‌کرد اتفاق خاصی رخ نمی‌داد. در دو سکانس جلوتر ورود فرخ و بهمن به باغ پر تقال هم بی‌نتیجه می‌ماند. در آن باغ که قبل‌تر پسر جوان از خطر ناک بودن آن می‌گوید چیزی مشاهده نمی‌شود و این‌که بهمن به زیرزمین آن ویلا می‌رود و چیزی پیدا نمی‌کند هم باز منطق روایی ندارد فقط فرخ در این سکانس کیک مخدر می‌خورد که این اتفاق مرسوم و منسوخ‌شده‌ای است که یکی از پارت‌رها مثلا مواد مخدر استعمال کند و وارد دنیای توهم می‌شود که اساسا در این فیلم جواب نداده و تبدیل به موقعیت‌های مبتذل و لوس شده، چون فیلمساز هر زمانی که خواسته فرخ را در حالت توهمی قرار داده و آن هم به‌شکل فانتزی خیلی بد!!! قطعاً جوان در مقطع‌های مختلفی از فیلم کم آورده مثلا به یاد بیاورید سکانس کنار جاده را که فرخ از همه چیز ناامید است، دیالوگ‌های جدی می‌گوید که شخصیتش را بیشتر معرفی کند اما به‌شدت لحن گفتاری و گریه‌اش بد است و همین‌طور بهمن که جا داشت در این سکانس فلاش‌بکی از گذشته او می‌دیدیم که بر اثر چه اتفاقی از کار سابقش برکنار شده اما جوان ترجیح داده فیلمش در سطح ادامه داشته باشد. آخر همان سکانس با فرمی مبتذل گره می‌خورد و سر و کله دختر پیدا می‌شود تا فیلم بتواند به پایان نزدیک شود! دختری که ظاهر هفت‌خطی دارد حاضر می‌شود با بهمن و فرخ همدستی کند! خب چرا این دختر باید ظاهری هفت خط داشته باشد و فن‌های رزمی بلد باشد؟ اگر دختر ظاهری آراسته و آرام داشت پذیرفتنی بود که می‌خواهد برادرش را از دست آدم‌های خلافکار نجات بدهد، اما در شرایط کنونی همدستی خواهر، الکن می‌ماند. حالا شما را به یاد نکته‌ای می‌اندازم در تمامی این سکانس‌ها زن سابق فرخ، برادرش که می‌خواست خودکشی کند، تیر زدن فرخ به مهناز افشار چه کار کردی برای فیلم داشته؟ هیچ. «قانون مورفی» از نظر فرمیک از تمامی فیلم‌های جوان عقب‌تر است. «نگار» از لحاظ فرم توانسته بود فیلم مهمی باشد اما در این‌جا فرم در سطح مانده است که به نظر می‌رسد به‌دلیل محتوای نارس آن باشد، اگر چه گفته شد سکانس اول ربط محتوایی به این فیلم ندارد اما فیلمبرداری و کات‌های آن را نمی‌شود نادیده گرفت.

«قانون مورفی» صرفا می‌تواند یک اثر سرگرم‌کننده برای مخاطب باشد اما قطعاً برای رامبد جوان گام رو به جلویی محسوب نمی‌شود. معتقدم جوان در ساخت فیلم‌هایی مثل «نگار» بسیار مستعدتر است و «نگار» همچنان مهم‌ترین اثر سینمایی وی به حساب می‌آید.